

خیابان کریم خان زند شیراز
(همراه با بررسی تاریخی، اجتماعی محله پشت استانداری)

دکتر مصطفی ندیم

مخبر هیأت علمی دانشگاه شیراز

دانشیار گروه تاریخ

شیراز

۱۳۹۴

بنیاد فارس‌شناسی

سر شناسه
عنوان و نام پدیدآور: خیابان کریم خان زند شیراز (همراه با بررسی تاریخی، اجتماعی محله
پشت استانداری)/مصطفی ندیم.
مشخصات نشر: شیراز: انتشارات امید دانا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص. مصور.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۸۴۴-۷-۱
وضعیت فهرست نویسی: فبیای مختصر
شناسه افزودن: بنیاد فارس شناسی
یادداشت: انگلیسی
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۰۸۶۳۲

شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، نرسه ۲۴، پلاک ۱، تلفکس: (۰۷۱)۳۲۲۴۳۸۵۱

E-mail: info@ffs.ir

صندوق پستی ۱۳۱۵-۳۶۵



بنیاد فارس شناسی

خیابان کریم خان زند شیراز
(همراه با بررسی تاریخی، اجتماعی محله پشت استانداری)

دکتر مصطفی ندیم

صفحه آرا: محبوبه جدی، طرح جلد: صمد دلدار

چاپ: فارس، تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۸۴۴-۷-۱

حق چاپ محفوظ است.

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	۱۴
مقدمه.....	۲۷
یادداشت‌های مقدمه.....	۳۲
پاره اول: موقعیت شیراز از ابتدای حکومت پهلوی تا سال ۱۳۳۵.....	۳۷
خیابان قرآن.....	۳۹
خیابان زند.....	۴۳
بافت جدید شیراز.....	۴۷
قبرستان‌های شیراز.....	۵۱
گود یا گودال‌های شیراز.....	۵۵
تغییر بافت قدیمی و خیابان‌کشی.....	۵۷
برنامه توسعه شهر شیراز.....	۶۰
دوره نخست توسعه.....	۶۰
دوره دوم توسعه.....	۶۱
دوره سوم توسعه.....	۶۳
خیابان زند و نقش آن در توسعه شهر شیراز.....	۶۴
اماکن اداری.....	۶۵
شهرداری.....	۶۵

۸۸.....	داد گستری.....
۸۸.....	اماکن سیاسی.....
۸۸.....	کنسولگری انگلستان.....
۸۹.....	استانداری.....
۸۹.....	اماکن درمانی.....
۸۹.....	بیمارستان نمازی.....
۹۴.....	توسعه بیمارستان نمازی.....
۹۵.....	تأسیسات آب و کشتی آب.....
۹۸.....	بیمارستان سعدی.....
۹۹.....	بیمارستان پوستچی.....
۱۰۱.....	اماکن آموزشی.....
۱۰۱.....	دبیرستان شاپور.....
۱۰۶.....	دبستان شرقی.....
۱۰۶.....	دبیرستان دخترانه رضاشاه.....
۱۰۷.....	دبیرستان زینت.....
۱۰۸.....	دبیرستان عشایری شیراز.....
۱۱۰.....	دانشگاه شیراز.....
۱۱۶.....	اماکن اقتصادی.....
۱۱۷.....	گاراژها.....
۱۱۷.....	گاراژ ایران پیم.....
۱۱۸.....	فروشگاه شهر و روستا.....
۱۲۰.....	اماکن فرهنگی.....
۱۲۰.....	سینماهای شیراز.....
۱۲۹.....	چاپ و نشر.....

۱۲۹	شیرازی‌ها و چاپ و نشر
۱۳۰	روزنامه‌های شیراز
۱۳۳	اماکن ورزشی
۱۳۴	اماکن تفریحی
۱۳۶	اماکن مذهبی
۱۳۶	مسجد سپهسالار
۱۳۸	آتشکده و زرتشتیان
۱۴۱	کلیسای شمعون و یحیی
۱۴۴	کنیسه
۱۴۵	اماکن نظامی
۱۳۷	پاره دوم: محله قدیمی والدین
۱۵۷	پاره سوم: محله پشت استانداری (کریه پشت استانداری)
۱۵۷	محدوده محله
۱۶۹	کوچه پشت استانداری
۱۷۳	پاره چهارم: مدرسه رفتن من
۱۸۱	پاره پنجم: استانداری، دانشگاه و کارخانه پنبه
۱۸۱	استانداری
۱۸۴	دانشگاه پهلوی
۱۸۶	کارخانه پنبه
۱۹۱	پاره ششم: فرهنگ عمومی محله
۱۹۱	معماری خانه‌های محله
۲۰۱	همسایه‌ها
۲۰۷	فرهنگ همیاری
۲۱۵	تفریحات ما در محله

۲۱۵.....	بازی‌ها.....
۲۱۸.....	سینما و تلویزیون.....
۲۱۹.....	مسافرت‌ها.....
۲۲۳.....	جایگاه مذهبی محله.....
۲۲۴.....	یهودیان محله.....
۲۲۹.....	مسیحیان محله.....
۲۳۱.....	زرتشتی‌های محله.....
۲۴۰.....	فرجام سخن.....
۲۴۵.....	منابع.....

سخن نخست

تاریخ اجتماع یکی از مباحث مهم علم تاریخ است که متأسفانه در کشور ما تا حد زیادی مغفول ماند است. از مباحث اصلی تاریخ اجتماعی، شهرها و تاریخ اجتماعی شهر می‌باشد. شیراز یکی از شهرهای تاریخی ایران با پیشینه بسیار غنی فرهنگی و اجتماعی است. سرگذشت این شهر در این تاریخ با فراز و نشیب زیادی همراه بوده است. بارها توسط امیران و پادشاهان و خاندان‌های محاربه آبادی گذارده و بارها نیز با حملات ویرانگر اقوام مختلف، طعم زشت و تلخ ویرانی و نابودی را چشیده است اما ریشه‌های تاریخی این سرزمین موجب شده پس از هر بار ویرانی دوباره خود را جیا نموده و تجلی تازه‌ای از فرهنگ ایرانی را به نمایش گذارد.

شیراز پس از دوره زندیه و با خدمات بزرگ کریم خان زند توانست ویرانی‌های ناشی از حمله افغان‌ها را جبران نموده و حیاتی دوباره و شکوفا یابد. این سربلندی چنان بود که اختلاف و ضعف جانشینان کریمخان و از آن بدتر کینه‌توزی آغا محمدخان نیز نتوانست بر حیات مادی و معنوی این شهر لطمه‌ای وارد سازد. شیراز سربلند و سرافراز مانند گذشته به چون ستاره‌ای درخشان بر آسمان فرهنگ ایران درخشید و خاستگاه هنر و فرهنگ شکوفا خود را حفظ کرد.

مواجه شدن دوره قاجار با توسعه استعماری روسیه و انگلیس نتایج سیاسی و اجتماعی متعددی برای ایران به دنبال داشت و مسبب تحولاتی در جامعه و حکومت ایران گردید. حوادثی که در بعد سیاسی تغییر حاکمیت وقت و در بعد اجتماعی ورود فن‌آوری‌های جدید

به ایران را در پی داشت، فن آوری‌هایی که خوب یا بد، بجا یا نابجا و درست یا غلط جامعه ایرانی و بیش از همه جامعه شهری را با تحول روبرو ساخت.

یکی از تغییرات در جامعه شهری تغییر کالبد فیزیکی شهرهاست و شیراز نیز به عنوان یکی از شهرهای بزرگ ایران و همچنین یکی از مهمترین مراکز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جنوب ایران از این تغییر و تحول بی‌بهره نمانده است.

کتاب حاضر که توسط یکی از اساتید دانشگاه شیراز و شیراز پژوهان شناخته شده، به رشته تحریر در آمده، در بردارنده تغییرات شیراز در همین دوره (پهلوی اول و دوم) است. این اثر از آن روایات دارد که تاریخ اجتماعی شیراز و محلات آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. پس از کتاب‌های معروف فارسی و آثار عجم و دوره پهلوی (به‌ویژه دهه‌های چهل تا شصت) پژوهش منسجمی را به تاریخ اجتماعی و شهری شیراز صورت نگرفته است. این پژوهش شیراز این دوره و خیابان کریم خان زند را که در تاریخ جدید شیراز جایگاه خاصی دارد، مورد بررسی قرار داده است. کتاب حاضر بر این دینی است به مردم محلات جدید و محله دوره نوجوانی نویسنده یعنی محله پشت استاندارد.

این اثر از جهت اینکه مقطع خاص و مهمی از تاریخ معاصر شیراز را مورد بررسی قرار داده و به مسائل اجتماعی در یک محله جدید توجه داشته، برای علاقه‌مندان به شیراز و به‌ویژه جوانان مفید و حائز اهمیت است.

بنیاد فارس‌شناسی با رویکرد ارزش نهادن به پژوهش و کارهای تحلیلی ضمن سپاس‌گزاری ویژه از آقای دکتر مصطفی ندیم نویسنده محترم و با آرزوی موفقیت برای ایشان به چاپ و نشر این اثر همت می‌گمارد، باشد تا مورد توجه و علاقه خوانندگان و دست‌اندرکاران شیراز قرار گیرد.

دکتر منصور طیبی
مدیر بنیاد فارس‌شناسی

پیشگفتار

یکی از محاسن مهم در تاریخ، موضوع تاریخ اجتماعی است، موضوعی که در این رشته و به ویژه در ایران توجه به آن، به اندازه اهمیت آن نیست. از موضوعات مهم در تاریخ اجتماعی، تاریخ اجتماعی شهر است.

در تاریخ تمدن بشری، سرزمین ایران به داشتن شهرهای قدیمی و با شکوه و تأثیرگذار شهره است، شهرهای شهر سوخته، شوش، انشان، هگمتانه و تیسفون نمونه‌ای از صدها شهر معروف و مهم در دوره پیش از تاریخ و تاریخ ایران باستان است. دوره اسلامی نیز، تاریخ ایران، شاهد ظهور و بالندگی شهرهای بزرگ در این سرزمین است. شهرهایی که پیش از اسلام وجود داشتند و در دوره اسلامی بالنده شدند. شهرهایی که پس از اسلام شکل گرفتند.

در تاریخ تمدن بشری اگر مورخان غربی در مورد شهرهای آسیای صغیر، چین، روم، ونیز و ماریسی و لندن کتاب نوشته‌اند، تعداد آثار همین مورخان در مورد شهرهای سیراز و اصفهان کمتر از آن نیست. انجام این تحقیقات از سوی غرب‌ها مطمئناً بی‌دلیل نیست، وجود آثار با ارزش و تاریخی در این شهرها، آنها را به خلق اثر در مورد تاریخ و فرهنگ شهرهای ایران سر ذوق آورده است.

در سرزمین ایران نیز از گذشته‌های دور، جغرافی‌دانان و مورخان در غالب جغرافیای محلی و جغرافیای تاریخی به معرفی شهرها پرداخته‌اند و گاه که همین آثار، به اضافه سفرنامه‌ها و سیاحت‌نامه‌ها اطلاعات با ارزشی در مورد تاریخ اجتماعی شهرها را در اختیار مورخ قرار

می‌دهد. اصطخری و ابن بلخی و مستوفی از یک سو و سیاحانی چون مقدسی و ابن بطوطه از سوی دیگر و در بین غربی‌ها بارتولد و مینورسکی و شوارتس تا سیاحانی مانند شاردن و تاورنیه در دوره صفویه تا نیبور و واتسن و حتی زنان سفرا و مأموران سیاسی چون لیدی شل اطلاعات جالبی از شهرها و آداب و رسوم و سنت‌های مردمان آن را در اختیار ما می‌گذارند.

سخن ما در مورد شهر شیراز است. این سلسله گزارش‌ها و تاریخ‌نگاری‌ها در طول تاریخ هرگز از هم نگسست اما از اواخر دوره قاجار چه اتفاقی افتاد که به یکباره توجه به تاریخ شهری و از جمله شیراز به آثار عجم فرصت‌الدوله و فارس‌نامه میرزا حسن پایان یافت. هیچ ذیلی بر آنها نوشته نشد و دیگر کسی به سراغ اعیان و اشراف و عالمان و ادیبان و هنرمندان محلات شیراز نرفت و اگر نبودند دلسوختگانی چون علی سامی و علی نقی بهروزی و کرامت‌اله افسر و محقق، مطلقاً هیچ‌کس به یادداشت‌ها، و با وجود این تحقیقات، بسیاری از نوجوانان و جوانان امروزی در عمرشان به محلات قدیمی سری ندادند و حتی نمی‌دانند «کوچه هفت پیچ» و «طاق میزجونی» و «کوچه قهر و آشتی» کجاست و فته برای آنها سخن می‌گویی، فکر می‌کنند قصه می‌گویی یا شهری خیالی را برایشان وصف می‌کنی، شهری که سال‌ها پیش از میان رفته و اکنون در زیر خروارها خاک مدفون است. خیالی که به اثر غفلت و بی‌همتی در حال پیوستن به واقعیت است.

اما این درد از کی آغاز شد؟ به گمانم، تحولاتی که در سده اخیر در شهرهای ایران رخ داد، تحولاتی بود ناگزیر و باید در این مسیر قرار می‌گرفتیم اما در این مسیر مانند همیشه، اسیر افراط و تفریط شدیم و در نتیجه، غفلت و بی‌توجهی به برخی مسائل اصلی. در ظهور این تحولات و نوآوری‌ها و ابداعات از دید نگارنده یک چیز و یک وسیله بیش از هر چیز آفت و بلای این سرزمین و شهرهای آن شد و آن ماشین بود.

خانه‌هایمان در بافت قدیم حیاطی باصفا داشت که محور اصلی اجتماع کوچک انسانی در خانه بود. در هر خانه‌ای تختی بود و حوضی و عصرها که اهل خانه، همه‌ی وقت خود را در این حیاط با آرامش و به دور از تنش و اضطراب سپری می‌کردند. ماشین آمد و جایگاه

اجتماعی و معنوی گذشته حیاط، قربانی ماشین شد.

در کوچه پس کوچه‌های باریک محلات قدیمی، بوی زندگی و نشاط و حیات موج می‌زد و خیابان‌کشی کردیم و کوچه‌های پهن و خانه‌های مجاور خیابان و دور شدن از هم را چه زود و زشت تجربه کردیم و هر زمان که بر تعداد ماشین‌ها اضافه شد، همین خیابان‌های جدید را نیز قربانی کردیم. باغچه وسط آن را آن‌قدر باریک کردیم که دیگر باغچه نبود و میدان‌های وسیع را سال به سال کوچک‌تر کردیم تا جای عبور ماشین‌ها باز شود.

و در این کوچک کردن‌ها به محو کردن روی آوردیم و چه فضایی مظلوم‌تر از بافت قدیم که دیگر فراموش شده است و آدم‌هایش نیز فرسوده‌تر و دیگر طاق و کوچه‌ها را به چه کار آید، بین محلات فضایی صاف کردیم تا جای ماشین باز شود، بی‌قوارگی و بدشکلی و خرابه را وارد بافت قدیم کردیم. سپس گفتیم خراب شده است، به مانند کودکی که کلوچه خود را خرد می‌کند تا از مادر کلوچه‌ای دیگر بگیرد.

در یکشب چندین خانه قدیمی را با ارزش تاریخی صاف شد و خم به ابرو نیاوردیم و باد در غبغب انداختیم که برای ایجاد فضای جدید در شهر عاف کردن این خرابه‌ها لازم است. کاش کسی پیدا می‌شد و حامی مالی این نواغش‌ها، آنها را به سفری به کشورهای اروپایی و دیدار از شهرهای تاریخی می‌برد. مگر نه آن‌که درآمد صنعت ریسیم ایتالیا چهار برابر صنعت نفت ماست، آیا آنها این درآمد را از صاف کردن یا خراب کردن کان‌های با ارزش به دست آورده‌اند؟ هرگز از یاد نمی‌برم که چند روزی که مهمان دانشگاه سیلان به شهر ونیز رفته بودم، برای رفتن به محل اسکان باید از کوچه‌ای عبور می‌کردم و هر بار دو جوان با موی در ابتدای کوچه نشسته و بلیط می‌فروختند. در کنار آنها تابلویی نصب شده بود که در روز فلان و سال فلان، موسولینی از این کوچه گذر کرده است و این کوچه تاریخی است، آن هم موسولینی که در ایتالیا منفور است، اما این‌جا چون قرار است از گردشگر پولی بگیرند، موسولینی عزیز می‌شود. باید پول داده، بلیط می‌گرفتم اما آن مهم نبود، مهم آن بود که متأسفانه باید افتخار می‌کردم که در کوچه‌ای قدم می‌گذارم که موسولینی از آن عبور کرده است. حال مقایسه کنید با شهر ما و داشتن این همه بزرگان دین و علم و ادب که وجودشان و نورشان در این شهر

و در گذشته‌های دور و نزدیک، نورانی بودن همیشه این شهر را به همراه داشته است، اما ما قدردان آن انفاس قدسی نیستیم چه با بهره مادی و چه معنوی.

در بسیاری از شهرهای تاریخی اروپا مانند رم و میلان و فلورانس و مarse و پاریس عبور و مرور ماشین در قسمت‌های تاریخی ممنوع است و شهرداری، خانه‌های قدیمی را در اختیار هنرمندان و اهل قلم قرار می‌دهد. حال ما در این شهر مقدس تاریخی چه کردیم. بارها فریاد زدیم که ارگ کریم‌خانی از گذر زمان آسیب ندید ما انسان‌ها آن را نابود کردیم. جای کلنگ‌های آغا محمد خان بر دیوارها هنوز پیداست، در دوره پهلوی آن را به زندان تبدیل کردند و - ی سوختگی دیوارها از دود اجاق و بخاری زندانی‌ها دیده می‌شود و ما نیز در کنار آن پارکینگ اتوموبیل‌ها ساخت کردیم که صدها برابر زیانش بیش از کلنگ آغا محمد خان و زندانیان بود.

وقتی از پارکینگ ره‌آش کریم، برای بافت زندیه خواب جدیدی دیدیم، طرحی نو در انداختیم که سال‌ها، اهالی محال و کسبه را از زندگی و کسب و کار در محل سیر کرد، زیرگذری ساختیم تاریخی که در تاریخ باید ثبت شود، ده‌ها قنات را نابود کردیم، پی بازار و ساختمان‌ها را سست کردیم و چقدر هزینه کردیم تا تنها ماشین‌ها از این سر خیابان به آنطرف بروند.

در این چند سال در صنعت پارکینگ سازی مهارت کسب کرده‌ایم که نگو و نپرس. اهالی شهرهای کوچک و روستا که تازه به شهر آمده و این صنعت را می‌بینند برای ساعاتی چشمانشان حیران و سرگردان چرخ فلک‌های ماشین در گوشه و کنار شهر می‌شود که چگونه ماشین‌ها در آسمان می‌چرخند و بالا و پایین می‌روند.

فکرش را کنید به این تبلیغ تاریخی که یکی از کارمندان یکی از شرکت‌های خودروسازی اعلام می‌کند، آرزوی ما آن است که هر ایرانی یکی از محصولات ما را داشته باشد، او حتی نمی‌گوید هر خانواده ایرانی و می‌گوید هر ایرانی و این آرزو نزدیک است. اروپاییان که می‌شنوند بسیاری از ایرانی‌ها در شهرها بیش از یک ماشین دارند، تعجب می‌کنند و همسایه ما که دو نفرند و سه ماشین دارند و همسایه دیگر که سه نفرند و چهار ماشین.

اروپاییان از ماشین تنها برای سفرهای خارج از شهر استفاده می‌کنند و در شهرهای ایتالیا تعداد موتورسیکلت‌ها بیشتر از ماشین است و چه کسانی که از موتورسیکلت استفاده می‌کنند، از کارمندان عالی‌رتبه و استاد دانشگاه گرفته تا توتی فوتبالیست معروف و چه زیبا در چراغ قرمز سر چهار راه‌ها موتورهای وسپا به صف ایستاده‌اند و زن و مرد بر آن سوارند و در آلمان و فرانسه دوطرخی وسیله اصلی درون شهر است. در شهر ما نیز ایستگاه دوطرخی ای گذاشتیم اما کو آدمی که از جانش سیر شده باشد و بخواهد در شهر مسافتی را با دوطرخی طی کند که طی طریق و طی از این آسان‌تر است تا طی خیابان.

من با ماشین مدرن و تحولات جدید هیچ مشکلی ندارم، بارها به دانشجویان جوان گفته‌ام که منظورم از حزن سنت آن نیست که قاشق و چنگال را به کناری گذاشته و با دست غذا بخوریم که در جایش آن هم می‌شود و خوب است و یا قرار نیست دیگر در شهر پیتزا فروشی نباشد اما در کنار کباب‌ها، غازه‌ها، فروشی، جوانان ما بدانند که غذاهای سنتی ایرانی و مقوی و کم هزینه و سالم کم نبوده‌است. ماشین باید باشد و از ضروریات است اما بولید، حفاظ و استفاده از آن باید همراه با قواعد و قوانین و فرهنگ خاصی باشد و از آن مهم‌تر نباید همه چیز را فدای آن کرد. به گمانم با طرح هر ایرانی یک ماشین، در آینده نزدیک، خانه‌ها خراب شده، مردم در ماشین‌هایشان زندگی کنند زیرا که در شهرها دیگر جایی برای نگهداشتن ماشین باقی نماند.

به تاریخ شیراز بازگردیم. دوستی ظریف در مجلسی رو به من کرد و گله وار گفت فلانی چرا در زمینه تخصص خودت تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران در دوره هخامنشیان کمتر تحقیق می‌کنی و بیشتر در تاریخ شیراز غوطه‌ور شدی. با این پرسش همگان منتظر پاسخ من بودند. گفتم ای دوست عزیز نخست این که بد نیست بدانی از دوره داریوش و خشایارشا سی و یک هزار لوح سالم و خوانا بدست آمده که خوانش و تحلیل آن خوراک سال‌های مورخان آن عهد است اما اگر بخواهی در مورد خیابان زند در چهل سال پیش تحقیق کنی صد سند یافت نمی‌شود چنان که من گشتم و نیافتم. دوم این که چنان به گذشته چسبیده ایم که حال را فراموش کرده‌ایم. آینده گان اگر بخواهند اطلاعاتی در مورد آداب و رسوم، فرهنگ عامه،

آثار تاریخی و صدها موضوع ریز و درشت شیراز از مسأله آب و نان گرفته تا معماری خانه‌ها بدانند که مطلب، کجاست مقاله و کتاب و تحقیق و پژوهش. اگر توان حفظ سنت‌ها و آثار و محلات را نداریم لااقل برای ثبت تاریخی آن اقدام کنیم و به‌نظرم این بزرگ‌ترین وظیفه ماست.

به بافت تاریخی شیراز برویم. بافت شهری شیراز را می‌توان به سه دسته یا دوره اصلی تقسیم کرد. بافت قدیم، بافت میانی و بافت جدید. بافت قدیم محلات شیراز از دوره زندیه تا پایان قاجاریه را در بر می‌گیرد گرچه هنوز بخش‌هایی از این بافت وجود دارد و همین جا یاد کنیم از عزیزی که در کنار خرابگران به واقع آبادگر و حافظان این بافت هستند، شهرداری و به‌ویژه شهرداری بافت قدیم میراث فرهنگی و انجمن دوستداران میراث فرهنگی.

بافت میانی قسمت میانی شیراز است که در دوره اول پهلوی و دوره دوم پهلوی تا اواخر دهه پنجاه ساخته شد. خیابان‌های زند و لطفعلی خان زند و خیابان‌ها و کوچه‌های منشعب از آن جز این بافت است یعنی خیابان‌های و سار، منوچهری، انوری، رودکی، مشیرفاطمی، نادر، مشیر کهنه و خیابان‌های دیگر.

بافت جدید با ساخت و ساز در بخش‌هایی از شمال و به‌ویژه غرب شیراز از دهه شصت آغاز شد. بیشترین توسعه در بافت جدید و ایجاد بافت جدیدتر در همین محدوده غرب بود. بدین معنا که اگر زمانی شلوغ‌ترین و پررفت و آمدترین خیابان، خیابان زند و چهارراه زند در دهه‌های چهل تا شصت بود، سپس خیابان ملاصدرا به‌عنوان مرکز شهر و مرکز خرید مطرح شد و اکنون معالی آباد و گسترش همه در جهت غرب بوده است.

تاریخ‌نویسی و تاریخ اجتماعی شیراز نزد فرصت‌الدوله و میرزا حسن در دو مربوط به دوره زندگیشان و اواخر دوره قاجاریه است اما از آن زمان به بعد در مورد محلات شیراز هیچ تحقیق مبسوط و جامعی و حتی تحقیق موردی (مونوگرافی) صورت نگرفته است. عزیزان محققى چون سامی و امداد و دیگران نیز از شیراز و ویژگی‌های آن گفته‌اند و اگرچه آثار آنها ارزشمند است اما خالی از تحقیق در این موضوع مهم است.

از آثار مورد توجه در مورد محلات شیراز، کتاب تاریخ بافت قدیم شیراز نوشته کرامت‌اله

افسر است. در این کتاب سودمند محلات در طول تاریخ مورد توجه قرار گرفته است و تنها شامل بافت قدیمی می‌شود.

تنها اثر جالب، دوست داشتی و مفید در مورد یک محله و تاریخ اجتماعی آن از آن دکتر محمد یوسف نیری با موضوع محله «سنگ سیاه»، محل زندگی ایشان و خانواده‌شان در ایام کودکی و نوجوانی است.

دکتر نیری ادیب و اهل ذوق و عرفان است و از او کمتر اثری در زمینه تاریخ و تاریخ اجتماعی دیده‌ام. به گمانم تصحیح کتاب بسیار ارزشمند «تحفه نیر» خامه عموی بزرگوار ایشان تأثیر زیادی در خلق این اثر داشته است.

کتاب سنگ سیاه، از گنجینه روایتی از سوی نویسنده به عنوان روای است. کتاب از صورت یک تحقیق مردم‌شناسی و تاریخ اجتماعی محض خارج است اما از آن می‌توان بهره‌ها برد و قلم شیوا و روان استاد نیز بر سیرانی موضوع و مطلب افزوده است.

در بین آثار قدیمی‌تر به نظر نگارنده پس از نوشته‌های فرصت‌الدوله و میرزا حسن در اواخر دوره قاجار، دو اثر خلق شده است که به واقع به لیل نوح ساختار آن که زندگی‌نامه نویسی و خاطره‌نویسی است از لحاظ تاریخ اجتماعی سیر ارزش زیادی دارد. نوشته‌های فرصت‌الدوله و میرزا حسن نوعی سفارش رسمی از سوی حکومت است. به همین دلیل هرگز از جنبه رسمی بودن خارج نشده است اما در این دو اثر، به نکات مهم عرف و جالبی اشاره شده که روشنگر بسیاری از حوادث تاریخی و مسائل اجتماعی تاریخ معاصر است.

باید به خالق این دو اثر احسنت گفت و به مصححان آن آفرین. محسن کتاب «تحفه نیر» نوشته شیخ عبدالرسول نیرشیرازی و به تصحیح دکتر نیری و دوم کتاب «دره السوار حسنی» نوشته سید علاءالدین حسین (رییس الاطبا) به تصحیح آقایان دکتر صفی‌پور و پروین.

بنده کمتر کتابی را بیش از یک بار می‌خوانم اما تاکنون چند بار این دو کتاب را خوانده، از مطالب آن استفاده کرده‌ام.

غیر از این اثر، اثر دیگری در مورد محلات شیراز چه قدیم و چه جدید سراغ نداریم. اگر در کتاب میرزا حسن از بزرگان محلات در بافت قدیم سخن گفته است، بافت میانی و جدید

نیز از بزرگان خالی نبوده است، بزرگانی که خالق آثار و شاهکارهای هنری، ادبی، دینی و علمی بوده‌اند اما کسی از آنها یاد نکرده است. غیر از این بزرگان، مردمان عادی در محلات میانی نیز، مردمانی صبور، بردبار، پرتلاش، با همیت، همیار و با خدا بودند اما فراموش شدند. هنوز نیز جوانان قدیم که اکنون در حال گذر از میانسالی به کهنسالی هستند از این که بچه محله هشت متری جاوید و خیابان نادر و فلکه فخرآباد و غیره بودند بر خود می‌بالند. کوچه‌هایی که اگرچه ویژگی‌های کوچه‌های بافت قدیم را ندارد اما در آن خلوص و صفا و مردانگی موج می‌زند.

در شیراز این کوچه‌ها و محلات کم نبوده و نیستند. بزرگانی همچون دکتر خدادوست و شهیدانی چون شهباز دورا متعلق به همین محلات بوده‌اند.

جرقه اولیه نگارش این شت خاطرات کودکی و نوجوانی و خاطرات خیابان زند مربوط به آن ایام است، خیابانی بسیار زیبا، رزمان خود که از زمان خیابان کشی جدید در شیراز در دوره اول پهلوی تا هم اکنون در کالبد فیزیکی شیراز جایگاه خاصی داشته و از بعد مادی و معنوی کارکرد خود را هم چنان حفظ کرده است. به همین دلیل بود که چون آقای احمدرضا شبانیان از دانشجویان خوب من در رشته ایران‌شناسی تقاضای نوشتن پایان‌نامه خود در موضوع شیراز معاصر را داشت از تقاضای وی استقبال کردم. اما میر شیرازی بودن ایشان مرا مردد می‌کرد. بالاخره با اصرار و علاقمندی ایشان و علاقه بـودم، موضوع شیراز راضی شدم و به دلیل شناخت از خیابان زند قرار شد عنوان پایان‌نامه ایشان تاریخچه خیابان زند باشد. آقای شبانیان برای انجام تحقیق تلاش زیادی کرد اما همان غیر شیرازی بودن و گرفتاری‌های شخصی موجب عجله در کار گردید. به هر حال تحقیق ایشان به عنوان یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد قابل قبول و بسیار خوب بود اما برای تبدیل شدن به کتاب به تکمیل، ادامه تحقیق و بازنگری کلی نیاز داشت. در واقع آقای شبانیان جدا از انجام کاری خوب مرا به ادامه تحقیق و آنچه سال‌ها در آرزویش بودم ترغیب کرد و آن بررسی محله قدیمی محل زندگیم در دوره کودکی و نوجوانی بود، محله‌ای که به خیابان زند بسیار نزدیک بود و در تغییرات شهر شیراز، ساخت آن را باید ادامه خیابان زند دانست، در نتیجه بررسی محله قدیمی بدون

بررسی خیابان زند میسر نبود و به همین دلیل نوشته خود را از زمان تغییر کالبد فیزیکی شیراز و خیابان کشتی جدید آغاز کردم. در واقع بررسی شیراز دهه پنجاه بدون توجه به خیابان زند، کاری ناقص و بی‌ارزش است.

با این توصیف تحقیق حاضر تنها بررسی یک محله شیراز با تکیه بر دهه پنجاه است اما چرا دهه پنجاه؟ خوانندگان محترم با مطالعه کتاب متوجه اهمیت این دهه و تکیه نگارنده بر آن خواهند شد.

نکته دیگر اهمیت این محله و جایگاه آن در آن دوره از تاریخ شیراز است. این محله مهم اما کمتر شناخته شده و یا بهتر بگویم ناشناخته، محله پشت استانداری است. محله‌ای که در اواخر دهه چهل ساخت و ساز شروع شد و تا اواخر دهه شصت بافت اجتماعی، فرهنگی خود را حفظ کرد و سپس مانند بسیاری از محلات با تغییر ساکنان آن و ورود افراد جدید و تغییر فضای کالبدی و ساخت و سازهای جدید، دچار تحول زیادی شد.

نگارنده در طول نوشتار دلیل تمسک به محله را خواهم گفت اما نکته لازم در این مقدمه، بیان ساختار نوشته است. به راستی برای مدتی به وجود فاسم بودن مطالب، در نوع نوشتار دچار تردید و سردرگمی شده بودم. ابتدا بر آن شدم تا بر راه صورت تحقیقی رسمی و آکادمیک ارائه دهم اما ترس از خشک بودن و رسمی بودن اثر، را از این کار بازداشت. سپس به سبک نگارش رمان روی آوردم. ساختار آن را برای خود چنین به نظر می‌آورد که یکی از همسایگان قدیمی پس از سال‌ها دوری از وطن به ایران و شیراز می‌آید و سر باغی در جمع خانوادگی آنها را می‌بینیم. پسر آنها که اینک در خارج زندگی می‌کند، تحصیل کرده و دارای همسر و فرزندان است و در کودکی از همبازی‌های من بوده است و از من می‌خواهد که از گذشته محله بگویم و من وقایع و خاطرات را داستان وار بازگو می‌کنم، یادی از گذشته در قصه همراه با دوران کودکی و سپس بازگویی دوران‌هایی که آن فرد در ایران نبوده است و بارها این تغییر زمان و جلو و عقب رفتن زمان در داستان تکرار می‌شود.

پس از نوشتن چند صفحه که اتفاقاً کار جالبی هم شد، از فکر ادامه آن منصرف شدم، دلیلش هم برایم واضح بود. در ایران و به‌ویژه محیط و فضای آکادمیک و رشته تاریخ، رمان

تاریخی و مشابه آن جایگاهی ندارد، چنان که بسیاری از اهل تحقیق به غلط فکر می کنند نوشتن داستان های تاریخی برای کودکان و نوجوانان بسیار راحت است و یا این که هر قدر سخت تر و با واژگان و انشایی دشوار و غامض بنویسند، کار آنها علمی تر است، چنان که برخی فکر می کنند ارزش یک مقاله به تعداد منابع آن است و به همین دلیل سه صفحه مطلب می نویسند و ده صفحه منابع و ارجاعات را ردیف می کنند و عده ای نیز به به و چه چه که چه کرده است و چقدر منبع خوانده است و این شیوه، روشی را برای برخی مقاله سازان فراهم ساخته تا یک خطا بخوانند و صفحه ها سیاه کند و مقاله سازی کنند اما اگر در مقاله ای، محقق تنها از چند منبع استفاده کرده است از دید آنها ارزش ندارد و این می شود که اهل علم در دانشگاه مجبور می شوند جای توجه به ارزش و محتوای مقاله به ارجاعات توجه کنند و مجلات نیز همین را می نمایند.

دیدم در این صورت، کتاب به عنوان قصه و رمان و حداکثر دل نوشته ای می دانند و بیشتر اهل علم آن را نخوانده به کناری می واهند گذاشت، پس به شیوه سوم روی آوردم، تلفیقی از نوشتاری ساده همراه با ارائه اطلاعاتی دقیق و این ویژگی که کل مطالب به همان سیاق و روش ساده نویسی و روایت گونه است.

نکته دوم و مهم دیگر در ساختار نوشته، نگاه نگارنده به وقایع و به ویژه افراد است، مانند دیگر نوشته هایم، بزرگ ترین دغدغه و تلاشم آن بوده است که از ساده انصاف تاریخی خارج نشوم.

این گفته را باید بیشتر باز کنم. به لحاظ تاریخی مهم ترین و سخت ترین وظیفه مورخ، بی توجهی به ظرف زمانی و قرار دادن خود در زمان مورد نظر است. هر فرد و هر واقعه ای را باید نسبت به زمان خود و حوادث، وقایع و وضعیت حاکم بر آن زمان تحلیل کرد.

در نوشتار حاضر از برخی به نیکی یاد کرده ام که گمانم و نظرم چنین است حتی اگر اشتباه باشد. این نظر برخاسته از اعمال و کردار آن فرد در شیراز و نقش او در توسعه این شهر است.

چه خوب می شد که برخی به ناروا با مشاهده عیب و ایرادی در یک فرد حتی اگر عیب کمی نباشد تمام خدمات و محاسن او را فراموش نمی کردند.